

آزادی محسن حکیمی از زندان

فعالین لغو کار مزدی

شنبه سوم اسفند ۱۳۸۷

در کتاب قصه « نینا» که برش هیجان انگیزی از تاریخ سراسر شور و پیکار طبقه کارگر روسیه علیه سرمایه است، خواننده با پیرمردی مواجه می شود که مظهر تمامیت خشم و قهر علیه بردگی مزدی است. پیرمرد در آتش تنگدستی و فشار فقر می سوزد، او مسلول است، تک سرفه ها هیچ لحظه ای وی را آرام نمی گذارند، سیلاب خون ناشی از التهاب مرگبار ریه به طور مدام از گلویش جاری است. پیرمرد با تمامی این ها کومه نمور و تاریک خویش را ستاد نیرومند جنبش طبقه اش علیه بنیاد بردگی مزدی ساخته است. بخشی از فعالیت روزمره بلشویک ها حتی کارهای انتشاراتی در همین کومه برنامه ریزی می شود. پلیس و نیروی قزاق دولت هار تزار چندین بار به این کومه هجوم می برند و پیرمرد با همان سیلاب خون جاری از گلو و تک سرفه های خشک سل بسان کوه مقاومت می کند و همه چیز را از تیررس تهاجم اشرار سرمایه دور می گرداند. او هر بار یک چیز دیگر را هم اصلاً فراموش نمی کند. این که کتاب مانیفست کمونیسم را قبل از هر چیز در جاسازی محکمی قایم سازد. نخستین عبارت پیرمرد در پایان یکی از این یورش ها این است که « یک بار دیگر مانیفست کمونیسم را حفظ کردم» جنبش لغو کار مزدی طبقه کارگر تنها و تنها و باز هم تنها جنبش واقعی ستیز علیه هر نوع شخصیت سازی و چهره پردازی است. در این جنبش انسانی بسان مارکس هم با همه قدرت اثرگذاری و آگاهی و بصیرت طبقاتی اش انسانی نه متفاوت، نه جلودار، نه چهره فرزانه بی بدیل و نه آنچه طیف رفرمیست های چپ نمای کارگردستار بورژوازی ساخته اند، بلکه یک فعال کارکشته و آگاه ضد کارمزدی در درون صف توده های کارگر در سنگر جنگ علیه سرمایه است. هدف از نقل داستان بالا مطلقاً این نبود و اساساً در مخیله هیچ فعال لغو کار مزدی خطور نمی کند که هیچ کارگری را از کارگران دیگر متمایز و هیچ فعال جنبش ضد سرمایه داری را از فعالین دیگر این جنبش ممتاز سازد. برای ما هر فعال کارگری آگاه ضد سرمایه به طور واقعی یک مانیفست کمونیسم ناطق و دخالتگر و کارساز میدان کارزار طبقاتی است. درست به همین دلیل فرصت را مغتنم می شماریم و همصدا با پیرمرد کتاب نینا با خوشحالی اعلام می کنیم که:

محسن حکیمی فعال جنبش ضد سرمایه داری

طبقه کارگر یک بار دیگر از زندان اوپن سرمایه آزاد شد.

حکیمی در طول سال های سیاه حاکمیت جمهوری اسلامی چندین بار توسط دولت سرمایه داری روانه سیاهچال شده است. جرم وی تلاش برای سازمانیابی مبارزات توده های کارگر علیه نظام بردگی مزدی است. او به همین دلیل نه فقط آماج خشم و قهر دولت سرمایه که به همان میزان مورد کینه و بغض طیف وسیع سندیکالیست ها و سندیکاپیان مؤمن نظام سرمایه داری نیز می باشد. آزادی حکیمی یک بار دیگر این فرصت را نیز در اختیار ما قرار می دهد تا با صدای بسیار رسا اعلام داریم که راه رهایی هر فعال جنبش کارگری از زندان و سیاهچال دولت سرمایه داری نه

بستن دخیل به سران اتحادیه های کارگری مزدور سرمایه جهانی، نه بوسه زدن بر آستان اسقف های پیر سرمایه از قماش گای رایدی که رجوع به جنبش پرورش سرمایه ستیز توده های کارگر بین المللی است. ما همراه با تلاش برای آزادی همه کارگران زندانی آزادی محسن حکیمی را به تمامی کارگران تبریک می گوئیم.

فعالین جنبش لغو کار مزدی

دوم اسفند ۱۳۸۷